

توضیحاتی در باب

اصول ایمان و ویژگی‌های مؤمنان

نویسنده:

شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی رحمته الله

مترجم:

سعید حسینی

عنوان کتاب:	اصول ایمان و ویژگی‌های مؤمنان
عنوان اصلی:	الندائات المنان لاهل الايمان
نویسنده:	شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی <small>رحمته</small>
مترجم:	سعید حسینی
موضوع:	عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - دیگر مسائل عقیدتی...
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ.....
مقدمه	١
عقاید کلی دین	٣
حقیقت ایمان و صفات مؤمنان	١٥

کتابچه‌ی «توضیحاتی در باب اصول ایمان و صفات مؤمنان» در واقع بخشی از کتاب «الندائات المنان لاهل الایمان» نوشته شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی است.

مؤلف در این کتاب پس از ذکر توضیحاتی در باب اصول ایمان و ویژگی‌های مؤمنان، به تشریح ۹۰ «نداء» یا خواسته‌ی خداوند متعال از مؤمنان پرداخته است. این ۹۰ «نداء» اوامر و نواهی خداوند منان به مؤمنان است.

این کتابچه در واقع به عنوان بخش ابتدایی این کتاب بزرگ، انتخاب و ترجمه شده است. و همان‌گونه که از نام آن پیداست شرح مسائلی است در باب اصول ایمان و ویژگی‌های مؤمنان.

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مِنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ١٠٢].

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ءَ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ١].

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ٧٠-٧١].

أما بعد: فإن أصدق الحديث كتاب الله، وخير الهدي هدي محمد صلى الله عليه وسلم، وشر الأمور محدثاتها، وكل محدثة بدعة، وكل بدعة ضلالة، وكل ضلالة في النار. و بعد:

ایمان بزرگترین نعمتی است که خداوند متعال به بندگان مؤمنش عنایت فرموده است. این ایمان، همان نوری است که خداوند متعال در قلب بنده مؤمن قرار می دهد و قلب مؤمن را با محبت به خداوند و تعلق

و (احساس) وابستگی به او پُر می‌کند. در این صورت بنده‌ی مؤمن به درجه‌ی بالایی می‌رسد که در آن از تعلق و وابستگی به این دنیای فانی و فریبنده‌ی رهایی می‌یابد و توجهش معطوف به نعمت‌هایی می‌شود که خداوند متعال برای بندگان مؤمن خود آماده کرده است.

در ایمان به خداوند متعال است که انسان به زندگی پاک و حقیقی نائل می‌شود و به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد. هیچ راهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت جز راه ایمان وجود ندارد و این راه اهل بهشت، بوستانِ پیروزمندان، برجسب قلوب، پاکی درون و نور صورت‌های آنان است.
و شاعر چه زیبا می‌سراید:

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزادست
ایمان نعمتی است که نعمت دیگری با آن برابری نمی‌کند زیرا بنده را به پروردگارش نزدیک می‌گرداند و رضایت‌مندی خداوند متعال و کالای ارزشمند بهشت را در پی دارد. پس خوش به حال کسی که راه ایمان را طی می‌کند و تا زمانی که خداوند متعال را ملاقات می‌کند، به آن التزام دارد.

عقاید کلی دین

خداوند متعال می فرماید:

﴿قُولُوا عَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶].

«بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده ایم، میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم».

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد تشریح این اصول کلی آمده و این اصول را به تفصیل بیان کرده است. همچنین اسماء و صفات خداوند متعال، افعال و نعمت های او، احوال و چگونگی روز قیامت و حساب و کتاب و عدل و بزرگی آن، پاداش و مجازات، اوضاع و احوال سایر پیامبران علیهم السلام، ویژگی ها و هدایت هایشان و آنچه به آن دعوت می کردند و کتب آن ها و حقایق سودمند و انواع هدایت شان را به تفصیل بیان می کند.

خداوند متعال در این آیه بین دو مسئله ی اشاره شده به ظاهر و باطن، جمع نموده و هر دو را بیان می دارد: قول و سخن زبان و اقرار و اعتراف به آن و همچنین محقق ساختن تمام این اصول در قلب از یک طرف و فروتنی و گردن نهادن در ظاهر و باطن و اخلاص کامل برای خداوند متعال در حقوق دین از طرف دیگر.

این عقاید صحیح و سودمند قلب‌ها را از آرامش و ایمان، نور و یقین و هدایت، پرستش و عبادت خداوند متعال و بازگشت و توبه به سوی او در همه حال، پر می‌کند و باعث پناه بردن به او در وقایع نازل شده (بلا یا ... و امور مهم، آرامش یافتن بوسیله‌ی شناخت او، تسکین و طمأنینه با ذکر و یاد او و حمد و ثنای اوست.

ایمان موجب تقویت توکل بر خداوند عز و جل و اعتماد کامل و کمک خواستن بنده از او در تمام اعمال دینی و دنیوی می‌شود. هرگاه که اراده‌ی بنده ضعیف شد و قدرتش در برخورد با امور مهم سُست شد، ایمانِ صادق با تقویت قلب و سپس اعضاء و جوارحش به او کمک می‌کند و در صورتی که خوف و ترس، بنده‌ی را احاطه کند، چنین ایمانی مثل دژی بسیار محکم خواهد بود که بنده می‌تواند به آن پناه ببرد و در این هنگام قلبش آرامش می‌یابد و در دلش آرام می‌گیرد.

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَأَحْشَوْهُمْ فَرَّادَهُمْ
إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿٧٣﴾ فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ
يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿٧٤﴾﴾ آل عمران: ۱۷۳-
[۱۷۴].

«همان کسانی که (برخی از) مردم به ایشان گفتند مردمان برای (جنگ) با شما گرد آمده‌اند پس از آن‌ها بترسید (ولی این سخن) بر ایمان‌شان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است، پس با نعمت و بخششی از جانب خدا (از میدان نبرد) بازگشتند در حالیکه هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است.»

این ایمان راستین و یقین صحیح، صاحب خود را به سمت عزت و قوت و شجاعتِ قولی و عملی سوق می‌دهد. بنابراین زمانی که بنده یقین پیدا کرد که خداوند متعال نافع بوده و در عین حال ضرر رسیدن به دست اوست و هم اوست که چیزی را عطا می‌کند و مانع اعطای هرچه بخواهد می‌شود و به یقین بداند که هرکه را خداوند عزّوجلّه عزتمند گرداند عزیز است و هرکه به غیر خداوند عزّوجلّه پناه ببرد، خوار و ذلیل است و تمام مخلوقات در مقابل خداوند متعال فقیر و بی‌چیزند که نمی‌توانند نفع و ضرری برسانند، در این هنگام است که این ایمان موجب قدرت یافتن توکل به خداوند متعال و پناه بردن به او می‌شود و دیگر از کسی ترس ندارد و به غیر از خداوند متعال به کسی امید ندارد و فقط فضل و بزرگی را از خداوند متعال می‌خواهد. بنده به کمک چنین ایمانی از بندگی مخلوقات رها می‌شود (و تنها بندگی خالق را گردن می‌نهد) و قلب او در طلب نفع و دوری از ضرر متوجه احدی از بندگان او نمی‌شود، بلکه خداوند متعال مولی و یاری دهنده‌ی او می‌شود و سرپرست او در رساندن نفع و دورکردن ضررها می‌شود. پس خداوند متعال او را کفایت می‌کند و آموزش را برایش بگونه‌ی تسهیل و آسان می‌گرداند که این کار را برای کسی که چنین ایمانی را ندارد، انجام نمی‌دهد. برای چنین فرد مؤمنی چنان قوت قلب و شجاعتی حاصل می‌گردد که برای کسی که به این درجه نرسیده باشد، بدست نمی‌آید و این‌ها همه از ثمرات ایمان صحیح است.

از ثمرات دیگر ایمان، آرامشِ بنده در برخورد با سختی‌ها و آسان شدن مشکلات و رنج‌هاست.

﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ﴾ [التغابن: ۱۱].

«و هرکس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را (به ثبات و آرامش، و خوشنودی به قضا و قدر الهی می‌رساند و) رهنمود می‌گرداند».

و او، بنده‌ی است که می‌داند اگر به مصیبتی دچار شود، از جانب خداوند عز و جل است و می‌داند آنچه از مصیبت به او رسیده است، در هر حالی به او می‌رسید، بنابراین راضی و تسلیم تقدیرهای دردناک و دشوار می‌گردد و مصیبت‌های تکان‌دهنده بر او آسان می‌شود، چرا که این سختی‌ها از طرف خداوند صادر می‌شود که (در صورت صبر بر مصیبت) او را به ثواب و پاداش می‌رساند.

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي أُتْبِعَاءِ الْقَوْمِ ۖ إِن تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ ۗ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ﴾ [النساء: ۱۰۴].

«اگر شما درد می‌کشید آنان (دشمنان تان) نیز همان گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آن‌ها امید ندارند».

بنا بر این نزد مؤمنان صادق، هنگامیکه در معرض اتفاقات ناگوار قرار گرفتند، صبر و ثبات و سکون و آرامش و در عین حال انجام واجبات و حقوق خداوند متعال (حتی در آن حین) بگونه‌ی دیده می‌شود که یک صدم آن هم نزد کسانی که این‌گونه نیستند یافت نمی‌شود و این به خاطر نیروی ایمان و یقین است.

از ثمرات دیگر ایمان راستین، زیاد شدن شوق و رغبت در انجام کارهای خیر و نیکو و ازدیاد اعمال صالح است و بنده را به سمت مهربانی و دلسوزی بر بندگان دعوت می‌کند و این به خاطر انگیزه (و محرک) ایمان و امید به حصول پاداش فراوان از خداوند متعال است.

از دیگر ثمرات ایمان، جلوگیری از اعمال بد و ناشایست است، چه در ظاهر نمایان و چه در باطن مخفی باشد. و باعث می‌شود از هر مخلوق رذیل و پستی دوری گزینند.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ
 آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۲﴾﴾ [الأنفال: ۲-۳].

«مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان
 هراسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود، بر
 ایمان‌شان می‌افزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. * آنان کسانی‌اند که
 نماز را چنان که باید می‌خوانند و از آنچه بدیشان عطاء کرده‌ایم،
 می‌بخشند».

این آیه ثمرات ایمان از جمله اعمال قلبی و بدنی و انجام حقوق و
 واجبات خداوند عز و جل و حقوق بندگان را ذکر می‌کند.

آیا می‌شود بدون ایمان، به این اخلاق پسندیده رسید؟ آیا چیزی غیر از
 ایمان می‌تواند اخلاق انسان را از رفتن به بیراهه و هلاکت حفظ کند؟ چه
 چیزی جز از دست دادن روح ایمان سبب کشیده شدن اخلاق به مادی-
 گری، شهوات حیوانی، خُلق و خوی درندگی و هلاکت شدن می‌شود؟
 آیا غیر از عامل بازدارنده‌ی ایمان (از کج‌روی) چیزی هست که باعث
 ادای امانات و انجام واجبات گردد؟ آیا جز با نیروی ایمان، قلب می‌تواند در
 رویارویی با امور تکان‌دهنده ثابت‌گردد و درون انسان در مقابله با دشواری‌ها
 آرام گیرد؟

آیا در صورتیکه ایمان نباشد درون انسان به رزق خداوند عز و جل قانع
 می‌گردد و انسان به زندگی پاک و راحت (از گناهان) در این دنیا نائل
 می‌شود؟ و آیا جز به وسیله‌ی ایمان، بنده به درجه‌ی صدق در اقوال و افعال
 و معاملات می‌رسد و نزد خداوند متعال و بندگان خداوند عز و جل بعنوان فردی
 امانت‌دار، شریف و بزرگوار و معتبر شناخته می‌شود؟

بنا بر این هر بنیان و اساسی که این امور آشکار بدون ایمان بر آن بنا گردد، شکست خورده خواهد بود و هر پیشرفت مادی که ایمان همراهش نباشد، ساقط و نابود است.

آگاه باشید که ایمان، صبر را در برابر قضای الهی و شکر را در برابر نعمت‌هایش به بنده می‌بخشد و باعث می‌شود که فرد نسبت به بندگان خدا دلسوز شود و به تمام اخلاق نیکو آراسته و از تمام اخلاق زشت رها گردد. مصداق آن در هر کس که دارای چنین ایمانی است، وجود دارد و کسی که آن را ندارد این گونه نیست. اگر فردی دارای این صفات باشد، در حالی که ملتزم به اسلام نیست، آن صفات را از دین اسلام گرفته است و رنگ و بویی غیر دینی به آن داده است. در صورتیکه کسی این حرف را قبول ندارد، اگر راست می‌گوید مثالی خارج از این اصل بیاورد، چرا که دین به سمت هر آنچه خیر بوده و استوارتر است دعوت می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید باشد که رستگار شوید».

﴿وَلَتَكُنَّ مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴].

«و باید از میان شما گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگاراند».

از ثمرات ایمان این است که به عدل و قسط در تمام معاملات و ادای حقوق مختلف بین مردم امر می‌کند و از ظلم در جان و مال و ناموس مردم

و تمام حقوق آن‌ها نهی می‌کند. آیا اصلاح این امور جز با عدل و قسط و دادی که روح و قوام دین است، سازگار است؟

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰].

«در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد، به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ [النساء: ۱۳۵].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا (به زیان) پدر و مادر و خویشاوندان (شما) باشد اگر (یکی از دو طرف دعوا) توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو (از شما) سزاوارتر است».

هنگامیکه عدل در تمام احکام شرعی متعلق به قراردادها، معاملات، مبادلات و شرکت‌ها و حقوق ارث و میراث بین زن و مرد و نزدیکان و کسانی که با آن‌ها در تعامل اند به تفصیل آمده است، بنا بر این، این احکام را در نهایت عدل و نظم و اصلاح‌کننده‌ی امور و جلب‌کننده‌ی منافع و دفع‌کننده‌ی ضرر و زیان‌ها و مفسد قرار می‌دهد.

این ایمان صحیح که شامل اصول ایمان و حقایق آن است، متضمن خضوع کامل برای خداوند متعال و توبه و بازگشت به سوی او در تمام حالات است. و این نهایت اصلاح قلب و روح است و در آن خلوص در عبادت و انواع احسان و نیکی که فقط برای خداوند متعال است، وارد می‌شود. در آن ایمان به تمام کتاب‌هایی که خداوند متعال نازل کرده است و

تمام رسولانی که فرستاده است و تمام حقایقی که در کتاب‌ها نازل شده و رسولان علیهم‌السلام پیام‌آور آن بوده‌اند، و نیز فطرت سلیم و عقل‌های سالم با آن متفق است، وارد می‌شود.

این دین، دین پاک‌کننده‌ی قلوب و دین عقل صحیح و نقل صریح و آشکار است. دینیکه از بت‌پرستی‌ها و الحاد و بی‌دینی و فاسد شدن اخلاق بیزار و مبری است.

دینی که با مباح نمودن تمام پاکی‌ها و منافع و تحریم تمام خبائث و ناپاکی‌ها و زیان‌ها آمده است و به هر امر معروف و نیکو و خیری چه از لحاظ شرع و چه از لحاظ عقل امر می‌کند و از هر امر منکر و ظلم و ستمی نهی می‌کند.

دینی که اصلاح قلوب و بدن‌ها و سعی برای جلب هر نوع منفعت دینی و دنیایی کمک کننده به دین را در پی دارد.

دینی که از سوی خداوند عزیز حمید نازل شده و هیچ باطلی نه در قبل و نه در بعد به خود راه نمی‌دهد و از طرف خداوند حکیم و حمیدی آمده است که هیچ باطل کننده‌ی نمی‌تواند اصلی از اصولش را نقض و یا (حتی) خبر از کاستی آن توسط عقل دهد، بلکه عقل‌های صحیح به صحت آن شهادت می‌دهند و عقل (به تنهایی) نمی‌تواند تفصیل و شرح (کامل) آن را دریابد.

اسلام دین همه‌ی انبیاء و رسولان علیهم‌السلام و تمام برگزیدگان و علمای ربّانی و امامان و پیشوایان هدایت‌گر و چراغ‌های راهنما (به سوی هدایت) بوده است. پس تمام مشرکان و انکارکنندگان و کسانیکه عقل شان (و قلب شان) مریض است و اخلاق شان رو به پستی نهاده و دنیا و مادی‌گری علیه آنان طغیان نموده (و اسیر آن شده‌اند) دین شان را از دست داده‌اند و آن را رها کرده‌اند.

کسی که حقیقتاً به خداوند متعال ایمان دارد با عبادت کردن او متنعم و بهره‌مند می‌گردد و با امید به پاداش عمل خود، از سهم و نصیبی هم که از دنیا به او می‌رسد، بطور کامل بهره‌مند می‌شود، چرا که او آن را از راه حلال بدست آورده است و در جایی که باید آن را قرار دهد، قرار داده است، به این نیت که واجبات و تکالیف خود را (بتواند) انجام دهد و از آن در عبادت پروردگارش کمک بگیرد.

مؤمن که ویژگی او تواضع در برابر خلق و حق است، در هر کجا که باشد از حق پیروی می‌کند و مشغول نصیحت کردن بندگان خداوند ﷻ، با در نظر گرفتن مراتب شان می‌شود.

اما انکارکننده‌ی حق که ویژگی او تکبر در برابر حق و خلق است، نسبت به خود مغرور می‌شود و به نصیحت کسی اهمیت نمی‌دهد.

مؤمن، قلبی سالم از غل و غش و کینه دارد و زبانش صادق، معامله‌اش نیکو، ویژگی‌اش حلم و بردباری، وقار و آرامش، صبر و مهربانی و ثبات و وفاداری است و جز برای خداوند متعال برای کسی خوار و ذلیل نمی‌گردد. قلب و رویش از توجه و تذلل و خوار کردن خود برای کسی غیر از پروردگارش مصون و حفظ شده است. در انجام کارهای خود هم سعی می‌کند دست به اسباب مفید گرفته و از آن کمک بگیرد و هم بر خداوند متعال توکل می‌کند و به او اعتماد دارد و در تمام امور از او کمک می‌گیرد. خداوند ﷻ نیز، با قدرت و قوت و توکل و اعتماد و امید وی به پروردگارش، انجام کارهای خوب را برایش آسان و از انجام کارهای ناپسند او را دور می‌گرداند.

هرگاه که دنیا و نعمت‌ها و خوشی‌های آن به او داده می‌شود، با شکرگزاری آن را می‌گیرد و در راهی سودمند آن را مصرف می‌کند، بگونه‌ی که خیرش دو باره به خود او برمی‌گردد و هرگاه مصیبت و سختی‌ها به او

می‌رسد، با صبر و احتساب اجر و پاداشش، با آن برخورد می‌کند و امید به گشایش و فرجی از سوی خداوند متعال برای از بین رفتن آن گرفتاری دارد. پس عوض و خیر و پاداش و آرامش وطمأنینه‌ی که بدست آورده بزرگتر است از آنچه که از دست داده یا سختی‌هایی است که نصیبش شده است.

پس این خصلت‌های زیبا از جمله عقاید راستین و نرم‌خویی و اخلاق درست و آداب سالم از طریق ایمان بدست می‌آید. آیا می‌توان این صفت‌ها را به کسی غیر از مؤمن داد؟ و از بزرگترین دلایل بر حق بودن دین (اسلام) این است که به واسطه‌ی عقاید و اخلاقش، صاحبان عقل و خرد و افرادی که به دنبال برهان و دلیل هستند و کسانی که با بصیرت و آگاه هستند به سوی آن می‌روند و کسانی جز افراد پستی که گمراهی را بر هدایت و بدبختی را بر خوشبختی ترجیح داده‌اند، از آن دوری نمی‌کنند.

آرزومندی و اشتیاق (برای رسیدن به خوشبختی و نعمت‌های وعده داده شده) و ویژگی مؤمنان برگزیده و پیروان صادق و نیکوکار است، کسانی که قلب‌هایشان با معرفت و محبت خداوند متعال زنده است و زبان‌شان به ذکر خداوند ﷻ و ستایش او مأنوس و آشناست و اوقات‌شان به طاعت و عبادت و خدمت در راه خدا می‌گذرد و با این ایمان حقیقی با مردم با مهربانی و نرمی و نصیحت صحیح رفتار می‌کنند. این ایمان آن‌ها را از تمام اخلاق پست منع می‌کند و آن‌ها را تشویق به آراسته شدن به اخلاق نیکو می‌گرداند.

اما ایمان صحیح نزد ریاکاران و افراد متملق و چاپلوس و دارای نفاق کجاست؟ ایمان کسی که به فسق و گناه و سرکشی و بدبختی تشویق و دعوت می‌کند، کجاست؟ ایمان کسانی که از شناخت خداوند ﷻ و محبت او روی گردانند و از طاعت و عبادت او کناره‌گیری می‌کنند، کجاست؟ ایمان کسی که قلبش از تعلق و وابستگی (به غیر خدا) و محبت و تعظیم و ترس و

امید نسبت به مخلوقین پُر و از تعلق به پروردگار عالمیان خالی شده است، کجاست؟ ایمان طعنه‌زنندگان و لعنت‌کنندگان، دروغگویان و سخن‌چینان کجاست؟ ایمان رباخوارها و کسانی که در معامله فریب‌کاری می‌کنند و اهل غل و غش هستند، کجاست؟ ایمان، آرزو کردن و تمنای آن نیست، بلکه ایمان آن است که در قلب جای گیرد و راستی و درستی آن در اعمال فرد معلوم گردد و امتحانی است که با آن دروغگو و راستگو از هم شناخته می‌شوند.

حقیقت ایمان و صفات مؤمنان

ایمان بزرگترین خصلت و شریف‌ترین مرتبه و کامل‌ترین درجه می‌باشد و هیچ برتری و پاداشی بدون وجود ایمان و رعایت حقوق آن داده نمی‌شود. به همین دلیل است که خداوند متعال در مورد هر یک از بهترین و برگزیده‌ترین بندگان خود، همچون نوح و ابراهیم و موسی و هارون و الیاس و سایر انبیاء را مدح کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصافات: ۸۱].

«او از بندگان مؤمن و با ایمان ما بود».

بنا بر این نتیجه‌ی ایمان‌شان بدست آوردن خیرات و زدودن بدی‌ها و دوری از آن‌ها بود.

خداوند متعال در آیات زیر رستگاری و ورود به بهشت را به وجود ایمان ربط داده است:

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾ [الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ] ﴿۱۱﴾

[المؤمنون: ۱۰-۱۱].

«آنانند که خود وارثانند همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند».

﴿وَكَيْفَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۳].

«مؤمنان را مژده ده».

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الَّذِينَ ءَامَنُوا

وَكَانُوا يَتَّقُونَ] ﴿۶۲-۶۳﴾ [يونس: ۶۲-۶۳].

«آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوه گین می‌شوند همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند».

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾^(۳۸)
[الحج: ۳۸].

«قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند زیرا خدا هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد».

﴿وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱۹) [الأنفال: ۱۹].
«و خدا است که با مؤمنان است».

نصوص دیگری نیز در کتاب و سنت وجود دارد که بر برتری ایمان و مؤمنان و اینکه تمام خیر و نیکی در ایمان وجود دارد، دلالت می‌کنند. پس بر بنده‌ی که می‌خواهد خود را نجات دهد و به کمال برسد و رستگار شود، واجب است که تمام توان خود را برای بدست آوردن ایمان انجام دهد، بگونه‌ای که آن را در علم و عمل و شناخت و در تمام اوصاف و احوال آن بدست آورد. همانگونه که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«الإيمان بضع وسبعون شعبة، أعلاها قول لا إله إلا الله وأدناها إمطة الأذى عن الطريق والحياء شعبة من الإيمان»^(۱).

«ایمان هفتاد و چند شعبة است که بالاترین آن گفتن لا اله الا الله و پایین‌ترین آن برداشتن چیزی است از راه مردم که سبب اذیت آن‌ها می‌شود و حیا شعبة‌ی از ایمان است».

پس ایمان را (در این‌جا) سخن‌هایی از زبان وصف نموده که خداوند متعال و رسولش ﷺ آن را دوست دارند و بدنبال آن نیکی و احسان به

بندگان خدا را ذکر نموده، احسانی که حتی می‌تواند برداشتن مانعی از سر راه باشد و سپس اعمال قلوب که اصل و اساسش حیا است. هر کس به ویژگی حیا از خداوند عز و جل مزین و آراسته باشد، قلبش رنگِ معرفت و محبت و ترس و امید و اظهار دوستی نسبت به خداوند متعال به خود می‌گیرد.

حقیقت این است که ایمان، اسم جامع و کاملی برای تمام اجزا و شرایع دین می‌باشد، حال چه دستورات ظاهری و چه باطنی و نیز شامل اقوال زبانی و قلبی می‌شود به عبارت ساده‌تر ایمان شامل: ۱- عملِ جوارح مثل جهاد ۲- قولِ زبان مثل خواندن اذکار و ادعیه ۳- قولِ قلب مانند شناخت و معرفت خداوند عز و جل و ۴- عملِ قلب مثل حیا می‌باشد. و هرکس این موارد را در خود داشته باشد و آن‌ها را بطور احسن انجام دهد جزو کسانی است که کامل‌ترین ایمان‌ها را دارد. اما هرکس که از لحاظ علمی، عملی و معرفتی نقصی در ایمانش باشد، اینگونه نخواهد بود.

مردم از نظر ایمان در درجات متفاوتی هستند. کامل‌ترین آن‌ها کسی است که در علوم ایمانی به درجه‌ی علم الیقین و حق الیقین و در اعمال خود به درجه‌ی احسان رسیده است و آنگونه بندگی خداوند عز و جل را به جا می‌آورد که حضور خدا و اینکه کسی مراقب اوست را درک می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً»^(۱).

«کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان، بهترین آن‌ها از نظر داشتن اخلاق نیکو است.»

۱- احمد، ابوداود، ترمذی و آلبنی آن را صحیح گفته‌است.

پس اگر مؤمن هنگامی که در معرض رفتارهای بد همچون شهوات و نیات بد و انجام امری مخالف ایمان و موافق نفس قرار می‌گیرد، ایمانش تغییر نکرد، پس او مؤمن واقعی است.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَخِبُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾﴾ [الحجرات: ۱۵].

«در حقیقت مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده‌اند و سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند آنان (در ایمان خود) درست و راستگویند».

بنا بر این از نشانه‌های کمال ایمان این است که با کسی که با تو قطع رابطه کرده، صلّه رحم کنی و به کسی که تو را از چیزی منع کرده، ببخشی و از کسی که به تو ظلمی روا داشته، درگذری. همچنین دادن محبوب نفس در راه خدا که همان مال است دلیلی بر وجود ایمان است. همانگونه که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «و الصدقة برهان» یعنی «صدقه برهان و دلیل (بر وجود ایمان) است»^(۱).

۱- قسمتی از حدیثی است که امام مسلم در صحیحش از ابی مالک اشعری رضی الله عنه روایت می‌کند و لفظش اینگونه است: «الطهور شطر الإيمان والحمد لله تملأ الميزان وسبحان الله والحمد لله تملآن أو تملأ ما بين السموات والأرض والصلاة نور والصدقة برهان والصبر ضياء والقرآن حجة لك أو عليك، كل الناس يغدو فبائع نفسه فمعتقها أو موبقها».

«طهارت نیمی از ایمان است، الحمد لله ترازوی اعمال را پر می‌کند و سبحان الله والحمد لله میان آسمان‌ها و زمین را پر می‌کنند، نماز نور است و صدقه برهان و صبر روشنایی (ضیاء: نوری) است که با حرارت همراه است، زیرا صبر انرژی و نیروی زیادی را می‌طلبد) و قرآن دلیلی به نفع یا دلیل و حجتی علیه توست. همهء مردم که روز را

و همچنین جایگاه صبر نیز در ایمان مانند جایگاه سر در بدن است. از دیگر علامات ایمان مواردی است که خداوند متعال در این آیات ذکر می‌نماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۴﴾﴾ [الأنفال: ۲-۴].

«مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمان‌شان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند * همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند * آنان مؤمنان حقیقی هستند و دارای درجات عالی، مغفرت الهی، و روزی پاک و فراوان، در پیشگاه خدای خود می‌باشند».

در این آیات مؤمنین این‌گونه وصف شده‌اند که وقتی ذکری از خداوند متعال برده می‌شود، قلب‌های آن‌ها می‌لرزد و دچار خشوع و خضوع و ذلت در برابر خدا می‌شود و قلب‌شان در برابر بزرگی خداوند متعال می‌شکند و گناهان را ترک می‌کنند و از عذاب او می‌ترسند و قلب آن‌ها با ذکر او آرام می‌شود:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾﴾ [الرعد: ۲۸].

«همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

آغاز می‌کنند خود را (در برابر خدا و پاداش و عذاب او) مورد معامله قرار می‌دهند، حال یا آن را از آتش دوزخ می‌رهانند و یا خود را به هلاکت می‌برند».

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: ۲۲].

«چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمان‌شان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.»

همچنین ایمان آن‌ها از لحاظ علمی و بینش و آگاهی و تمایل و رغبت به امور خیر و دوری از شر، پیشرفت و ترقی می‌کند. بنابراین ایمان در قلب‌شان رشد می‌کند و این ایمان از روی بزرگترین و مستحکم‌ترین دلایل و براهین شکل گرفته است:

﴿الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَعْمَانَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۶].

«پروردگارا ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را بر ما ببخش و ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

﴿رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا﴾ [آل عمران: ۱۹۳].

«پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم.»

﴿وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ﴾ [الجن: ۱۳].

«و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم.»

برحسب ایمان فرد، در هنگام تلاوت قرآن و حکمت (سنت) این ایمان زیاد می‌شود و این بزرگترین نتیجه‌ی ایمان است، چراکه این ایمان ناشی از بزرگ‌ترین دلایل و براهین است و با بینش و دانایی همراه بوده و همچون ایمان افراد ضعیف‌الایمان که ناشی از عادت و تقلید و تابع اتفاقات باشد،

نیست. چنین ایمانی، ایمانی است که شبهه‌ها و خیالات مختلف و متفاوت آن را به لرزه و انمی‌دارد، بلکه با پیشرفت و رشد روزافزون همراه است. چنین ایمانی با محقق شدن توکل بر خدا همراه است، لذا با ایمان‌ترین مردم کسی است که بیشتر از همه بر خدا توکل می‌کند، خصوصاً توکل عالی و کاملی که باعث اعتماد کامل به خداوند متعال در بدست آوردن محبت و رضایت او و دفع خشم و غضب خداوند عز و جل می‌شود و به همین خاطر است که خداوند متعال توکل را لازمه‌ی ایمان می‌داند:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

«و اگر مؤمنید به خدا توکل کنید.»

بنا بر این مؤمن حقیقی را در حالی می‌یابی که اجرا کننده‌ی اوامری است که خداوند به آن امر کرده و بر کار خود اطمینان و به پروردگار خود اعتماد دارد و آشفتگی و به هم خوردن کارش او را دچار اضطراب نمی‌کند و اگر به مراد خود آن‌گونه که می‌خواهد، نرسد ناراحت نمی‌شود. خداوند محققاً قلب چنین فردی را هدایت کرده است و او نیز با یاد پروردگارش آرام، و راضی به رضای اوست و امور خود را به او سپرده است.

﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾ [التغابن: ۱۱].

«و هرکس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را (به ثبات و آرامش، و خوشنودی به قضا و قدر الهی می‌رساند و) رهنمود می‌گرداند.»
و او این سخن باری تعالی را محقق نموده است:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحج: ۷۰].

«آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند این‌ها (همه) در کتابی (مندرج) است قطعاً این بر خدا آسان است.»

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ [الحديد: ۲۳].

«تا بر آنچه از دست شما رفته اندوه‌گین نشوید و به (سبب) آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید.»

و به اینکه پروردگارش او را کفایت می‌کند راضی شده و امور خود را تسلیم او می‌کند:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳].

«هرکس بر خداوند توکل کند (و کار و بار خود را بدو وا گذارد) خدا او را بسنده است.»

در آیهی ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ مؤمنان واقعی به این وصف شده‌اند که نماز را بطور کامل اقامه می‌کنند، یعنی چه از لحاظ ظاهر و چه از لحاظ باطن آن را بر پا می‌دارند و ﴿وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ زکات را پرداخت می‌کنند، زکاتی که در آن نیکی نسبت به بندگان خدا وجود دارد. پس فرد با توجه به درجه‌ی ایمانش، نماز و زکات را بر پا می‌دارد که هر دوی آن‌ها از نظر پاداش و سود از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین و عظیم‌ترین عباداتند. همچنین خداوند متعال در آیات زیر مؤمنان را این‌گونه وصف کرده است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۳ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۴ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۵ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۶ فَمَنْ أَبْغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۷ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۸ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۹ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۱۰﴾ [المؤمنون: ۱-۱۰].

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند * همانان که در نمازشان فروتنند * و آنان که از بیهودگی روی گردانند * و آنان که زکات می‌پردازند * و کسانی که عورت خود را حفظ می‌کنند * مگر در مورد همسران‌شان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست * پس هر که فراتر از این جوید آنان از حد درگذرندگانند * و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند * و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند * آنان مستحقان (سعادت) و فراچنگ آورندگان (بهشت) هستند.»

این صفتهای بزرگ که در این آیات آمده است باعث کامل شدن و محقق شدن ایمان می‌شود و این میزانی برای درجه‌بندی مردم است. بنابراین مؤمنان رستگاری که اهل فردوسند کسانی هستند که ظاهر و باطن نماز را با مراعات حقوق آن و خشوعی که اصل و لبُّ آن است، اقامه می‌دارند و زکات می‌دهند و زبان خود را از کلام گناه و ناسزا و کلام بیهوده و باطل حفظ می‌کنند، به همین خاطرست که خداوند عز و جل ابتدا نسبت به سخن لغو و بیهوده که کم اهمیت‌تر است و سپس موارد دیگر هشدار می‌دهد. بنابراین این کلام خداوند متعال که آن‌ها از سخن لغو که هیچ فایده‌ی ندارد، روی گردانند، بر این دلالت می‌کند که آن‌ها سخن حرام را ترک و حفاظت از اندام جنسی‌شان را از ارتکاب به گناه حفظ کرده‌اند. حفظ چشم‌ها و نزدیک نشدن به اعمال زشت و مقدمات آن تماماً منجر به حفظ این اندام از ارتکاب به گناه می‌شود. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ [النور: ۳۰].

«به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خداوند به آنچه می‌کنند، آگاه است.»

و آن‌ها را به پای‌بند بودن به عهد و پیمان و امانت‌داری وصف کرده است که شامل تمام پیمان‌ها و اماناتی است که بین بندگان با پروردگارشان است. بنابراین آن‌ها بین خود و پروردگارشان پیمان سمع (گوش به فرمان بودن) و اطاعت و التزام بسته‌اند و بنابراین خداوند متعال آن‌ها را با این عهد و پیمان این‌گونه وصف کرده است:

﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الِّذِي وَاتَّقَكُم بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾ [المائدة: ۷].

«و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و (نیز) پیمانی را که شما را به انجام) آن متعهد گردانیده به یاد آورید آنگاه که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم».

همچنین در مورد عهد و اماناتی که بین خودشان و مردم است پیمان بسته‌اند که امانات را به اهلش برگردانند و بنابراین پیامبر ﷺ می‌فرماید که علامت ایمان این است که بنده‌ی مؤمن نسبت به خون و جان و مال مردم، امین و مورد اعتماد باشد. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده والمؤمن من أمنه الناس على دمائهم وأموالهم»^(۱).

«مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در سلامت (و به دور از اذیت) باشند و مؤمن کسی است که مردم او را نسبت به جان و مالشان امین و مورد اعتماد بدانند».

همچنین می‌فرماید:

«لا يؤمن من لا يأمن جاره بوائقه»^(۱).

۱- ترمذی ۱۶۵۱ و نسائی ۳/۰۷ و ۱۰۵ و آل‌بانی می‌گوید: حدیث صحیح است.

«کسی که همسایه‌اش از آزار و اذیتش در امان نباشد، ایمان ندارد.»
و منافق را ضد آن ویژگی توصیف می‌کند.
خداوند متعال مؤمنین را اینگونه توصیف می‌کند که آن‌ها به تمامی حقی
که خداوند متعال از طریق رسولانش ﷺ نازل فرموده، ایمان می‌آورند:

﴿عَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ
وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

«فرستاده (خدا، محمد) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده
است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و
فرستادگانش ایمان آورده‌اند (و گفتند): (میان هیچ‌یک از فرستادگانش فرق
نمی‌گذاریم) و گفتند: شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را
(خواستاریم) و فرجام به سوی تو است.»

پس مؤمن همچنان که توصیف شد، کسی است که طالب و خواهان
رضایت خداوند متعال است و دنباله‌رو هدایت او در هر جایی است. و به تمام
کتاب‌های الهی و پیامبران ﷺ ایمان آورده است و خود را ملتزم به اطاعت
از خداوند ﷻ و پیامبرش ﷺ در تمام کارها می‌داند و از خداوند متعال
می‌خواهد که او را در مورد کوتاهی‌هایی که کرده ببخشد و هرگاه گناهی از
او سر زد، او را مورد عفو قرار داده و از او درگذرد.

از صفات مؤمنین این است که خداوند ﷻ و رسولش ﷺ را در تمام امور
خود حاکم می‌کنند:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«ولی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه‌ی اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی - که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی (و تردید) نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَاِذَا أَسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النور: ۶۲].

«جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی‌که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند، نمی‌روند در حقیقت کسانی‌که از تو کسب اجازه می‌کنند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند به هرکس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آموزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است».

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۵۱].

«گفتار مؤمنان وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میان‌شان داوری کند تنها این است که می‌گویند شنیدیم و اطاعت کردیم اینانند که رستگارند».

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

«پس هرگاه در امری (دینی) اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبر (او) عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است».

پس مؤمن دینش را برای خداوند متعال خالص می‌کند و تلاش می‌کند تا از رسول خدا ﷺ پیروی کند و در قول و سخن و حکم دادن، نظر کسی را مقدم بر نظر ایشان قرار نمی‌دهد، بلکه هرگاه سنت رسول الله ﷺ برای او مشخص شد، هرگز آن را با چیز دیگری عوض نمی‌کند و با توجه به درجه‌ی رسیدن به این دو اصل، یقین و عرفان و شناخت او نیز کامل و قوی می‌شود.

همچنین از ویژگی‌های مؤمنان این است که نسبت به همدیگر محبت، دوستی و موالات و رحم و عاطفه دارند. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۱].

«و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمت‌شان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است».

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ [المائدة: ۵۵].

«تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یار و یاور شمایند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می‌آورند و زکات مال به در می‌کنند».

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«و (نیز) کسانی که بعد از آنان (مهاجران و انصار) آمده‌اند (و) می‌گویند پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند (هیچ گونه) کینه‌ی مگذار پروردگارا برآستی که تو رؤف و مهربانی».

پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید:

«لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه»^(۱).

«ایمان هیچ‌یک از شما کامل نیست تا اینکه آنچه را برای خود دوست می‌دارد، برای برادرش نیز دوست داشته باشد.»

هر چقدر علاوه بر برادر بودن نسبت‌های دیگری همچون خویشاوندی، همسایگی و یا حق و حقوقی در میان باشد، این مفهوم نیز مورد تأکید بیشتری (از سوی اسلام) قرار می‌گیرد تا در آن احسان و نیکوکاری بیشتری صورت گیرد. همچنان که رسول الله ﷺ نیز در حدیث صحیحی می‌فرماید:

«من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم جاره ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو ليصمت»^(۱).

«هرکس به خدا و آخرت ایمان دارد باید همسایه‌اش را گرمی بدارد، هرکس به خدا و آخرت ایمان دارد باید مهمانش را گرمی بدارد و هرکس به خدا و آخرت ایمان دارد باید سخن خیری بزند و یا اینکه ساکت باشد.»
و می‌فرماید:

«من غشنا فليس متاً»^(۲).

«هرکس با ما در معامله غل و غش کند از ما نیست.»

و می‌فرماید:

«الدين النصيحة .. لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم»^(۳).

«دین نصیحت و خیرخواهی است.... نسبت به خداوند متعال و رسولش و امامان (و حاکمان) مسلمانان و عموم مسلمانان.»

«نصیحت برای خداوند متعال در بندگی و عبودیت اوست. و نصیحت برای کتاب او در یادگیری و فهم و عمل و دعوت به آن می‌باشد. و نصیحت برای رسول او سبحانه و تعالی در تلاش برای پیروی از سخنان و افعال و تمامی احوال آن حضرت ﷺ می‌باشد. و نصیحت برای ائمه‌ی مسلمانان و عامه‌ی مردم در ارشاد و راهنمایی آن‌ها به مصالح دینی و دنیایی‌شان و یاری‌دادنشان بر انجام کارهای خیر و پروای خداوند را داشتن و در حد توان

۱- بخاری ۴۴۵/۱۰ و مسلم ۴۸.

۲- مسلم ۱۰۱.

۳- مسلم ۵۵.

بازداشتن آن‌ها از تجاوز و ستمکاری می‌باشد، همان‌گونه که خداوند متعال در آیه‌ی قبلی آن‌ها را توصیف نمود که به کارهای نیک امر کرده و از منکر نهی می‌کنند».

از ویژگی‌های پسندیده و مفاخر بزرگ مؤمنان همان است که پیامبر ﷺ در حدیث صحیح فرموده‌اند:

«ثلاث من كن فيه وجد فيهن حلاوة الإيمان أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما وأن يحب المرء لا يحبه إلا لله وأن يكره أن يعود في الكفر بعد أن أنقذه الله منه كما يكره أن يقذف في النار»^(۱).

«سه چیز وجود دارد که اگر در هرکس موجود باشد شیرینی ایمان را می‌چشد: اینکه خداوند متعال و رسولش را از هرکس دیگری بیشتر دوست داشته باشد و اینکه فقط به خاطر خداوند متعال کسی را دوست داشته باشد و به اندازه‌ی که از رفتن به درون آتش کراهت دارد، به همان اندازه از برگشتن به کفر پس از اینکه خداوند او را هدایت و نجات داد، کراهت و تنفر داشته باشد».

پس رسیدن به ایمان و شیرینی آن، در محبت خداوند متعال و رسولش ﷺ می‌باشد و باید این محبت نسبت به هر چه غیر آن است مقدم دانسته شود و سایر محبت‌ها نیز باید تابع این (نوع) محبت باشد. بنا بر این انسان مؤمن باید آنچه را که خداوند ﷻ دوست می‌دارد، دوست داشته باشد. و هرگاه این نوع محبت در انسان مؤمن به وجود آمد، (می‌توان گفت) محبت او حول محبت خداوند ﷻ می‌چرخد.

پس خداوند ﷻ و رسولش ﷺ و اعمال و اشخاصی را که آن‌ها دوست داشته باشند، دوست می‌دارد و تنفر او از کفر که ضد ایمان است بیشتر از تنفر او نسبت به رفتن در آتش می‌شود. و این مانند همان حدیث پیامبر ﷺ است که می‌فرماید:

«ذاق طعم الإيمان من رضي بالله رباً وبالإسلام ديناً وبمحمد عليه الصلاة والسلام نبياً»^(۱).

«کسی که به خداوند بعنوان پروردگارش و به اسلام به عنوان دینش و به محمد ﷺ به عنوان پیامبرش راضی شد، طعم ایمان را می‌چشد».

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«يا معشر من آمن بلسانه ولم يدخل الإيمان قلبه لا تغتابوا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم، فإنه من يتبع عورة أخيه يتبع الله عورته ومن يتبع الله عورته يفضحه ولو في جوف بيته»^(۲).

«ای کسانی که با زبان ایمان آورده‌اید و ایمان در قلب‌تان جای نگرفته، غیبت مسلمانان را نکنید و به دنبال عیوب و نقاط ضعف آن‌ها نباشید، چرا که هرکس به دنبال عیب برادر خود باشد، خداوند دنبال عیب‌های او خواهد بود و هرکس که خداوند متعال به دنبال عیب‌هایش باشد، رسوایش می‌کند، هر چند که در کنج خانه‌ی خود باشد.»

از علامات دیگر اهل ایمان این است که خداوند متعال سینه‌های آن‌ها را نسبت به قبول اسلام گشاده می‌کند تا از روی اختیار و با علاقه و فرمان- برداری به دستورات دین گردن نهد. نفس آن‌ها با این ایمان اطمینان می-

۱- مسلم ۳۴.

۲- احمد و ابوداود و آلبنی آن را صحیح گفته است.

یابد و کارهای خود را با دلایل محکم و آشکار انجام می‌دهند و در بین مردم رفت و آمد می‌کنند، در حالیکه نورانی هستند.

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ﴾ [الزمر: ۲۲].

«پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده و (در نتیجه) برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد (همانند فرد تاریک- دل است)».

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾ [الأنعام: ۱۲۵].

«پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید».

علامت رسیدن به ایمان، راحت و آسان شدن انجام عبادات و لذت بردن از تحمل مشقات و سختی‌ها به خاطر بدست آوردن رضایت پروردگار زمین و آسمان‌ها و تصدیق و قبول کامل جزئیات و عمل به مقتضیات آن یقین است. به همین خاطر است که امام حسن بصری: می‌فرماید: ایمان آرزو کردن و تمنای آن نیست، بلکه چیزی است که در قلب قرار می‌گیرد و اعمال جوارح آن را تصدیق می‌کند. بنابراین از آشکارترین علامات ایمان این است که صاحبان ایمان را به حد یقین و درجه‌ی صدیقین می‌رساند. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحديد: ۱۹].

«و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان راستینانند.»

هنگامی که پیامبر ﷺ ارتفاع و بلندی اتاق‌های بهشت را ذکر می‌کرد و مقام عظیم و والای آن‌ها را بیان می‌فرمود، (یاران) گفتند: یا رسول الله! آیا این‌ها منزلی است که فقط پیامبران به آن می‌رسند و کس دیگری به آن نمی‌رسد؟ فرمودند: خیر، بلکه قسم به کسی که جانم در دست اوست،

کسانی که به خداوند ﷻ ایمان بیاورند و رسولان او را تصدیق کنند به این منازل می‌رسند. بخاری ۳۲۰/۶ و مسلم ۵۸۳۱

بنا بر این درجه از صدیق بودن که خداوند ﷻ بوسیله‌ی آن بندگان خاص خود را می‌ستاید، در واقع تکمیل کردن مراتب ایمان در علم و عمل و دعوت به سوی آن است.

همچنین از نشانه‌های محقق شدن ایمان در فرد، انجام اعمال صالحی است که تصدیق کننده‌ی آن ایمان است و نیز فرد از فسق و فجور و انواع گناهایی که در آیه‌ی زیر آمده است، پاک می‌شود:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الأنعام: ۸۲].

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۷۸].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است را واگذارید».

از موجبات ایمان مصرف کردن اموال و دارایی‌ها در مصارف شرعی و در جای صحیح خود و در راه اقامه‌ی حدودی است که خداوند متعال و رسولش ﷺ آن را مشخص نموده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ، وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ

عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ [الأنفال: ٤١].

«و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان (او) و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است اگر به خدا و آنچه بر بنده‌ی خود در روز جدایی (حق از باطل) نازل کردیم ایمان دارید.»

﴿الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَأَجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾﴾ [النور: ٢].

«به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در (کار) دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید.»

﴿وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾﴾ [النور: ٣].
«بر مؤمنان این (امر) حرام گردیده است.»

غیر از این آیات در کتاب و سنت دلایل دیگری برای توصیف مؤمنان وجود دارد و بنده به حقیقت ایمان نمی‌رسد، مگر زمانی که به این صفات متصف و آراسته شود. در کل هرگاه که خداوند عز و جل می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، این کارها را انجام دهید و از این کارها پرهیز کنید در واقع انجام به این امر و دوری از آن موردی که از آن نهی شده، از جمله‌ی ایمان است و باید رعایت شود تا ایمان کامل گردد. پس از این طریق و موارد دیگر ایمان شناخته می‌شود، همان ایمانی که خداوند عز و جل آن را سعادت نام نهاده و وسیله‌ی نجات و رستگاری و رسیدن به مطلوب می‌داند. بنابراین ما هم از خداوند متعال این ایمان کامل را که باعث هدایت قلب‌های ما به سمت

شناخت و محبت به سوی او در تمام امور می‌شود و باعث ذکر او با زبان و ستایش او و انجام اعمال بدنی در طاعت خداوند عز و جل می‌شود، خواستاریم.

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾﴾ [یونس: ۹].

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند پروردگارشان به پاس ایمان‌شان آنان را هدایت می‌کند به باغ‌های (پر ناز و) نعمت که از زیر (پای) آنان نهرها روان خواهد بود (در خواهند آمد)».

سبحان ربك رب العزة عما يصفون

وسلام على المرسلين

والحمد لله رب العالمين

ایمان بزرگ‌ترین نعمتی است که خداوند متعال به بندگان مؤمنش عنایت فرموده است. این ایمان، همان نوری است که خداوند متعال در قلب بنده مؤمن قرار می‌دهد و قلب مؤمن را با محبت به خداوند و تعلق و (احساس) وابستگی به او پر می‌کند. در این صورت بنده مؤمن به درجه بالایی می‌رسد که در آن از تعلق و وابستگی به این دنیای فانی و فریبنده رهایی می‌یابد و توجهش معطوف به نعمت‌هایی می‌شود که خداوند متعال برای بندگان مؤمن خود آماده کرده است.

از متن کتاب

ISBN : 948 - 952 - 8024 - 36 - 4

